

ادامه راه، بانسل جدید

هنر در خانواده غلامیان یک میراث زنده است. حامد، پسر این خانواده، متولد ۱۳۸۵ حالا در کنار پدر و مادرش یک گوهر تراش حرفه‌ای شده است. از همان کودکی، دست در دست پدر، چم و خم این هنر ظریف را یاد گرفته است. محمد غلامیان با افتخار انگشترهایی را که حامد ساخته نشان می‌دهد؛ انگشترهایی که با ظرافت و دقتی مثال زدنی تراش خورده‌اند. حالا این خانواده کوچک، دونسل هنری را در دل کارگاهشان جا داده‌اند؛ نسلی که با صبر، عشق و مهارت، سنگ‌های سخت را به درخشش و زندگی تبدیل می‌کنند.

گوهرهایی که گاهی خطرناک‌اند

کار با سنگ، زیبایی‌های زیادی دارد، اما سختی‌هایش هم کم نیست. مریم محمدزاده توضیح می‌دهد که برخی سنگ‌ها، مثل مالاکیت، سمی هستند و گرد ناشی از برش آن‌ها می‌تواند آسیب‌های جدی به ریه‌ها وارد کند. تراژدی دردناک خانواده غلامیان اینجاست که می‌خورد. رضا غلامیان، برادر محمد، دو سال پیش بر اثر مشکلات ریوی ناشی از همین کار از دنیا رفت. محمد با صدایی آرام می‌گوید: یک گوهر تراش همه این سختی‌ها را به جان می‌خرد، چون عاشق این هنر است.

برترشان حمایت نمی‌شوند

مش و سکوت مصلی گاهی آزاردهنده بود. محمد غلامیان با لحنی آرام اما پراز در این باره می‌گوید: اینجا می‌توانست یک برای فروش هنر هنرمندان باشد، اما کسی نمی‌شناسد. هیچ تبلیغاتی انجام نشده است. ش آن‌ها از طریق صفحه‌های مجازی‌شان شود. صادرات هم وضعیت خوبی ندارد. سفادامه می‌دهد: ما قطب سنگ عقیق شور و حتی کشورهای همسایه هستیم. بای دنیا هنر سنگ تراشان ایرانی را بد، اما مجوزهای صادرات به سختی صادر می‌شود و حمایتی هم از هنرمندان نمی‌شود.

مصلی تاریخی، فضایی آرام اما ناشناخته

هزارچندگامی بازدیدکننده‌ای در ساختمان مصلی تاریخی مشهد قدم می‌زند. اینجا حال و هوای خاصی دارد. راهروهایش پر از کارگاه‌های کوچک هنری است؛ از نقاشی و سفال‌سازی گرفته تا گوهر تراشی. وقتی در این فضا قدم می‌زنی، بیشتر از همه برق سنگ‌های رنگارنگ کارگاه محمد غلامیان از دور نگاهت را جذب می‌کند. محمد با شوق، کارش را برای بازدیدکنندگان توضیح می‌دهد. از چگونگی استخراج سنگ‌ها، تا فرایند دقیق تراش و پرداخت نهایی. آرامشی که در فضای کارگاه جاری است، انگار به خود خانواده هم منتقل شده است. هر سه نفر آرام‌اند، کم حرف، اما پراز عشق به کاری که انجام می‌دهند.